



The meaning of the word "al-Dhanak" based on semantic adjacency and semantic substitution relations and its reflection in Persian and English translations

Hbibullah Halimi Jeloudar^a, Seyyede Farnaz Ettehad^{b*}

^a Associate Professor, Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran, (jloudar@umz.ac.ir)

^b PhD Student, Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran, (s.ettehad08@umail.umz.ac.ir)

KEYWORDS

Single-use words in the Quran, the word "al-Dhanak, Semantics of Quranic words, Persian and English translation of the Quran,

ABSTRACT

Single-use words in the Holy Qur'an are words that are used only once in the text. Because these words do not appear in other verses or similar contexts, their translation is more challenging than other words in the Qur'an. The word "Zanq" is one such example, appearing in verse 124 of Surah Taha as an adjective for livelihood. Translators have used various equivalents for this word, which either stray far from its semantically diverse senses noted in interpretations or are translated carelessly. This study aims to examine some Persian and English translations and how an equivalent was chosen for this verse. By using a descriptive semantic analysis, the study seeks to determine what "Zanq" means and evaluate the success of the Persian and English translations of the Holy Qur'an. The results indicate that Persian translators have employed both literal and interpretive translations, while English translators have predominantly opted for literal translations. However, neither approach has successfully conveyed the meaning derived from the semantic analysis of the word. Key words: Zanq livelihood, Takamad, semantics of Quranic words, types of Quran translation, Persian and English translators of Quran

معناشناسی واژه «ضنک» با تکیه بر روابط هم‌نشینی و جانشینی

و بازتاب آن در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی

حبیب الله حلیمی جلودار الف، سیده فرناز اتحاد ب*

الف دانشیار، علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، (jlouadar@umz.ac.ir)

ب دانشجوی دکتری، علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، (s.ettehad08@umail.umz.ac.ir)

چکیده	واژگان کلیدی
<p>واژه "ضنک" از واژگان تک‌کاربرد قرآن است که در آیه ۱۲۴ طه به عنوان صفتی برای معیشت آمده است. مترجمان در انتخاب معادل این واژه، گونه‌های مختلفی از ترجمه به کار گرفته‌اند که به علت بی‌توجهی به تنوع معنایی آن در تفاسیر، با آنها فاصله دارد. پژوهش حاضر که بر روش توصیف و تحلیل استوار است با هدف بررسی برخی از ترجمه‌های فارسی و انگلیسی و نحوه انتخاب معادل در این آیه، به بررسی معناشناسانه از این واژه می‌پردازد تا به پاسخ این سؤال برسد که تکامل اسمی "ضنک" با تأکید بر علم معناشناسی توصیفی، چه مفهومی را تداعی می‌کند و مترجمان (فارسی و انگلیسی) قرآن کریم تا چه اندازه ترجمه درستی از واژه "ضنک" ارائه داده‌اند؟ نتیجه پژوهش حاضر چنین است که مترجمان فارسی از روش ترجمه تحت‌اللفظی و تفسیری توأمان استفاده کرده‌اند و مترجمان انگلیسی صرفاً ترجمه تحت‌اللفظی را مناسب دیده‌اند. با این وجود هیچکدام از این دو گروه در انتقال معنای آن که از معناشناسی واژه حاصل می‌شود موفق عمل نکرده‌اند.</p>	<p>واژگان تک‌کاربرد در قرآن. واژه «ضنک». معناشناسی واژگان قرآن، ترجمه فارسی و انگلیسی قرآن، تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷</p>

علم الدلالة لكلمة «ضنك» بالاعتماد على العلاقات التلازمية والاستبدالية وانعكاسها في الترجمات الفارسية والإنجليزية.

حبيب الله حليمي جلودار الف^۱، سيدة فرناز اتحاد ب^۲

^۱ أستاذ مشارك في علوم القرآن والحديث، كلية الإلهيات والدراسات الإسلامية، جامعة مازندران، بابلسر، إيران، (jloudar@umz.ac.ir)

^۲ طالبة دكتوراه، علوم القرآن والحديث، كلية الإلهيات والدراسات الإسلامية، جامعة مازندران، بابلسر، إيران، (s.ettehad08@umail.umz.ac.ir)

الكلمات المفتاحية:	الملخص
الكلمات ذات الاستخدام الواحد في القرآن، كلمة «ضنك»، دلالة الكلمات القرآنية، ترجمة الفارسية والإنجليزية للقرآن	كلمة "ضنك" هي من الكلمات التي وردت مرة واحدة في القرآن الكريم، وتحديدًا في الآية ۱۲۴ من سورة طه كوصف للمعيشة. استخدم المترجمون أنواعاً مختلفة من الترجمات لهذه الكلمة، والتي بسبب عدم الانتباه إلى تنوع معانيها في التفاسير، كانت بعيدة عنها. تهدف هذه الدراسة، التي تعتمد على الوصف والتحليل، إلى دراسة بعض الترجمات الفارسية والإنجليزية وكيفية اختيار المترادف في هذه الآية، من خلال دراسة دلالية لهذه الكلمة للوصول إلى إجابة عن السؤال: ما المفهوم الذي تدل عليه كلمة "ضنك" بالتركيز على علم الدلالة الوصفي، وإلى أي مدى قدم مترجمو القرآن الكريم (الفارسية والإنجليزية) ترجمة صحيحة لكلمة "ضنك"؟ توصلت الدراسة إلى أن المترجمين الفارسيين استخدموا طريقة الترجمة الحرفية والتفسيرية معاً، بينما رأى المترجمون الإنجليز أن الترجمة الحرفية وحدها مناسبة. ومع ذلك، لم ينجح أي من المجموعتين في نقل المعنى الذي ينتج عن دلالة الكلمة.
تاريخ الاستلام: ۱۴۰۳/۰۴/۰۷	
تاريخ المراجعة: ۱۴۰۳/۰۵/۲۲	
تاريخ القبول: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷	

۱. مقدمه

دریافت دقیق و صحیح متن قرآن، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر در جهت شناخت حقایق این معجزه‌الهی است. اغلب واژگان قرآن، مواردی آشنا و مأنوس بوده‌اند و علاوه بر این به علت پربسامد بودن در متن قرآن، بیشتر مورد توجه و پژوهش قرار گرفته‌اند. از طرفی در میان واژگان قرآن کریم با مواردی روبه‌رو هستیم که کم‌بسامد و کم‌کاربرد و یا حتی تک‌کاربرد هستند؛ موارد تک‌کاربرد را با اصطلاح «تکامدهای قرآنی» می‌شناسیم.

باتوجه به اینکه مطالعات معناشناسانه را امروزه می‌توان به عنوان ابزاری برای فهم معنای واژگان قرآن تلقی کرد، در پژوهش حاضر از معناشناسی توصیفی جهت دریافت معنای "ضنک" که واژه‌ای تک‌کاربرد و تکامد اسمی است بهره برده شد. واژه "ضنک" در آیه ۱۲۴ طه در وصف معیشت افرادی به کار برده شد که از ذکر خداوند اعراض نموده‌اند.^۱

در نوشتار حاضر، تکامد "ضنک" با استفاده از فرهنگ‌های لغت و تحلیل بافتی که این واژه در آن قرار گرفته و بررسی جانشین و هم‌نشین‌های آن در قرآن، معناشناسی شده و با نگاهی نقادانه به چهار ترجمه فارسی (مکارم، نوبری، مشکینی، یاسری) و چهار ترجمه انگلیسی (ایروینگ، صفارزاده، قرایی، پیکتال) انجام شده است. ترجمه‌های فارسی از میان نزدیک ۵۰ مورد انتخاب شدند تا از تکرار ترجمه‌های مشابه از نظر روش ترجمه و انتخاب معادل برای واژه «ضنک» جلوگیری بشود، ضمناً ذکر تمام ترجمه‌ها در قالب پژوهش حاضر نمی‌گنجد. از میان مترجمانی که تحت‌اللفظی عمل کرده بودند ترجمه مکارم انتخاب شد که در پژوهش‌ها بیشتر با این روش شناخته می‌شود و ترجمه سه مترجم دیگر از این جهت انتخاب شدند که تفسیری کار کرده بودند و در نتیجه در جهت هدف پژوهش حاضر، اختلاف در ترجمه‌ها را بیشتر نشان می‌دهد. ترجمه‌های انگلیسی هم به همین ترتیب؛ چهار مورد که نماینده‌ای از انتخاب معادل‌های متفاوت برای واژه مورد است، انتخاب و گزارش شده است.

اهمیت موضوع از این جهت است که ترجمه تکامدهای قرآن از دشواری‌های خاص برخوردار است و انجام چنین پژوهش‌هایی می‌تواند مقدمه‌ای بر دقیق‌تر شدن در ارائه معادل‌های ترجمه‌ای باشد؛ چرا که مخاطب وسیعی از ترجمه‌ها عموم افراد جامعه هستند و دسترسی افراد به ترجمه‌هایی دقیق برگرفته از اصالت واژگان قرآنی بیش از پیش جنبه هدایتی و انس با قرآن را فراهم خواهد نمود.

با بررسی‌هایی که انجام شد، پژوهشی که با محوریت بررسی معناشناسانه واژه ضنک و انعکاس‌های معنایی آن در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی انجام شده باشد تاکنون صورت نگرفته است. اما پژوهش‌های پیرامونی عبارتند از:

- ارزیابی دیدگاه مفسران درباره معناشناسی «معیشت ضنک» در آیه ۱۲۴ طه (موسوی مقدم و دیگران، ۱۳۹۵)؛ این پژوهش در مجله مطالعات تفسیری فقط به دیدگاه‌های تفسیری معطوف است و به بررسی معنایی این نوع از واژگان در قرآن و تنوع ترجمه‌های آن که هدف پژوهش حاضر است توجهی نداشته است.

- واکاوی مفهوم حشر اعمی در آیه ۱۲۴ سوره طه (نصرتی و دهقانی، ۱۳۹۹)؛ این پژوهش در مجله تفسیرپژوهی نگاهی معناشناسانه و یا معطوف به بررسی ترجمه‌های موجود از این بخش از آیه ندارد که همین نکته نیز با بحث نوشتار حاضر تفاوت دارد.

سؤال‌های پژوهش حاضر:

الف) تکامد اسمی "ضنک" با تأکید بر علم معناشناسی توصیفی، چه مفهومی را تداعی می‌کند؟

ب) مترجمان (فارسی و انگلیسی) قرآن، تا چه اندازه ترجمه درستی از واژه "ضنک" ارائه داده‌اند؟

براساس موضوع پژوهش، مطلوب است به ارائه معنا یا به عبارتی، معادل صحیح‌تری از این واژه در ترجمه‌های قرآن به دست آید. به منظور انجام این مهم، ارائه تعاریف اصطلاحی و به تبع آن به کارگیری اسلوب قابل استفاده جهت تحلیل معنای واژه

۱. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى»

"ضنک" و سپس بررسی‌های ترجمه‌های مورد نظر، صورت گرفته است.

۱-۲-۱. معنانشناسی

معنا، چیزی جز مفهوم‌سازی ذهن نیست. (لی، ۲۰۰۱، ص ۲) فیلسوفان از دیرباز به موضوعاتی پرداخته‌اند که از مسائل اصلی معنانشناسی به حساب می‌آیند. آنچه که امروزه به صورت خاص در علم معنانشناسی صورت می‌پذیرد و دستاوردهای علمی و تخصصی دارد حاصل زبان‌شناسی نوین است. این دانش به طور تخصصی از اواسط قرن نوزدهم در غرب از سوی نظریه‌پردازانی همچون ماکس مولر، میشل بریل و لاینز مطرح شد. (نورسیده، ۱۳۹۱، ص ۵) معادل انگلیسی این اصطلاح «semantics» است و این اصطلاح اول بار از طریق پالمیر در مقاله‌ای در سال ۱۸۹۴ با عنوان «معانی منعکسه: نکته‌ای در معنانشناسی» مطرح شد. (پالمیر، ۱۳۶۶، ص ۱۳) «معنانشناسی عبارت است از بررسی تحلیلی در باب قسمت یا قسمت‌هایی از کل یک جهان‌بینی که از طریق کلمات کلیدی تنظیم شده است و از لحاظ لغوی اقسام مورد بحث را بیان می‌کند» (ایزوتسو، ۱۳۷۸، ص ۲۵۹) دانش معنانشناسی خود به چند دسته هم‌معنایی، هم‌آوایی، تضاد معنایی و چند معنایی تقسیم می‌شود که در این پژوهش، سعی بر این است تا واژه «ضنک» و ترجمه‌های آن، براساس واژگان هم‌معنا (ترادف) و تضاد معنایی (تقابل) بررسی گردد.

۱-۲-۲. تکامد

واژه "تکامد" به واژه‌ای اطلاق می‌شود که تنها یک بار در سراسر یک متن به کار رفته باشد، لذا به واژه‌ای که تنها یک بار در قرآن کریم به کار رفته باشد و هیچ مشتق و هم‌خانواده‌ای از آن در قرآن کریم نباشد، تکامد قرآنی نام می‌گیرد. (کریمی‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۲۴۸، راتب‌المصری، ۲۰۱۱، ص ۱۰)

۱-۲-۳. ضنک

راغب ذیل آیه ۱۲۴ طه، معنای «ضنک» را «ضیق» یعنی سختی معنا می‌کند و می‌گوید «قد ضنک عیشه» یعنی زندگی‌اش سخت شد و اگر به عنوان صفت برای شخص استفاده شود به معنای «درشت اندام» است. البته معنای زکام هم دارد و شخص مضنوک کسی است که به سرماخوردگی و زکام دچار شده باشد. (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۱۲)

فراهیدی هم مانند راغب برای تبیین معنای «ضنک» معادل «ضیق» را ذکر می‌کند و معتقد است طبق این آیه «هرآنچه که حلال نباشد حکم ضنک دارد حتی اگر در مقدار و وسعت زیاد باشد». شعری را هم شاهد مثال می‌آورد:

لقد رأيت أبا لیلی بمنزلة
ضنكٍ یخیر بین السیف و الأسد

«ضنک» در این شعر، حالتی است که گویی شخصی بین انتخاب شیر درنده و شمشیر، در مانده باشد؛ لذا چنین شرایطی را «ضنک» تلقی می‌کنند. به معنای زکام برای ضناک هم اشاره شده است و این نکته هم مشخص است که برای مؤنث و مذکر است. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۳۰۳)

ابن فارس معنای «ضیق» و «زکام» را برای ضنک برمی‌گزیند و ضمن یکسان دانستن لفظ «ضناک» برای مرد و زن، با ذکر "وَاللّٰهُ اَعْلَمُ" نشان می‌دهد که در معنای این تک واژه به قطعیت نرسیده است. (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۳، ص ۳۷۴-۳۷۳) فراء ذیل آیه ۱۲۴ طه "ضنک" را «سختی شدید» معنا کرده است. (فراء، ۱۹۸۰، ج ۲، ص ۱۹۴)

صاحب قاموس، واژه «ضنک» را تکامد می‌شناسد و آن را به معنای «تنگ» می‌داند بدین معنا که هر شیء «تنگ» را «ضنک» گویند و اذعان دارد که این واژه به صورت مصدر و اسم هر دو به کار می‌رود و در مذکر و مؤنث یکسان است و معنای آیه «وَ مَنْ اَعْرَضَ عَنْ دَجْرِيْ فَاِنَّ لَهُ مَعِيْشَةً ضَنْكًا» یعنی "هر که از یاد من اعراض کند حتماً زندگی او تنگ است." ایشان در توضیح این واژه نوشته‌اند باید دانست طمع و حرص آدمی را حد مشخصی نیست؛ هر چه به دست می‌آورد باز در صدد دیگری است و شخص بی‌خبر از خدا چون پیوسته به تمایلات نفس متوجه است و هر چه تلاش کند آنها را راضی نمی‌تواند کرد لذا با وجود به وسعت نعمت، پیوسته در تنگی است ولی آنانکه به دنیا با دیده دیگری نگاه می‌کنند و در یاد خدا هستند چنین خصوصیتی ندارند؛ زیرا

دل‌ها با یاد خداوند آرام می‌گیرد. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۰۰ و ۲۰۱)

برخی ذیل واژه «ضنک» نوشته‌اند که از ابن عباس سؤال شد منظور خداوند از «مَعِيشَةُ ضَنْكًا» چیست؟ پاسخ داد یعنی «سختی بسیار زیاد در تمام وجوه»؛ از او پرسیدند آیا عرب چنین مفهومی را می‌شناسد؟ پاسخ داد: بلی، در شعری دیدم شاعر گفته است:

وَ الْحَيْلُ قَدْ لَحِقَتْ بِمَا فِي مَأْزِقِ
ضَنْكُ نَوَاحِيهِ شَدِيدُ الْمُهْدَمِ

در نتیجه با توجه به اینکه به شعر ارجاع داده است (ابن عباس، ۱۴۱۳، ص ۱۶۹) یعنی این واژه از اصالت عربی برخوردار است و پیش از نزول قرآن نیز این واژه مورد استفاده در زبان عرب بوده است.

طبق آنچه از معانی «ضنک» در منابع لغوی بیان شد این واژه به معنای «سختی و تنگی ظاهری و واضح» نیست؛ بلکه معنایی باطنی دارد شبیه زمانی که کسی در شرایطی سخت و نفس‌گیر بماند و انتخاب هر دو راه، دارای مشقت و آسیب باشد و یا سختی و تنگی که گاهی هنگام نفس‌کشیدن و اصطلاحاً بر سینه احساس می‌شود که در واقع قابل درک فیزیکی نیست و از طرفی آن شخص شاید اثر و علت این سختی و سنگینی را هم نداند و فقط در پی رفع آن بربیاید و یا شاید فقط در حال حس این شرایط سخت باشد.

۲. «ضنک» و رابطه جانشینی و هم‌نشینی

معناشناسی ساختگرا به مطالعه ساختگرایانه روابط معنایی در سطح واژه و مرتبط با علم صرف و نیز در سطح جمله، یعنی علم نحو می‌پردازد. بر مبنای این نوع مطالعه، در هر زبان، بازتابی از روابط میان پدیده‌ها در ذهن کاربران آن است. در نتیجه با مطالعه ساختار هر زبان می‌توان به درک ساختار هر فرهنگ و از نگاه عام‌تر به درک ساختار ذهن انسان رسید. (مشکور، ۱۳۵۷، ص ۶۵) در روش معناشناسی ساختارگرا با دو نوع رابطه جانشینی و هم‌نشینی مواجه هستیم. کلمات هم‌نشین کلماتی هستند که در جوار کلمه محوری قرار گرفته‌اند. (بی‌یرویش، ۱۳۷۴، ص ۳۰)

رابطه هم‌نشینی

روابط کلی واژگان در متن

رابطه جانشینی

با توضیحاتی که ارائه شد، رابطه هم‌نشینی (Syntagmatic) از جمله نشانه‌های زبانی است که به ترکیب کلمات در جمله یا کلام مرتبط می‌شود که می‌تواند پیوند عناصر را در زنجیره‌ها و جملات برقرار کند. (چندلر، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷، صفوی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۶) بر پایه ساختار نحوی بین دو هم‌نشین این رابطه برقرار می‌شود که انواع مختلف دارد و از کاربردی‌ترین آن‌ها از لحاظ دریافت معنایی عبارت است از:

رابطه مکملی؛ رابطه اشتدادی و رابطه تقابلی (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۸۴؛ سلمان‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۱۶). با توجه به اینکه این روابط براساس قواعد نحوی است و «ضنکا» صفت برای «معیشت» است و با واو به «نحشره» عطف شده است و «اعمی» هم نقش حال برای این نوع از حشر در قیامت دارد (علوان، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۱۴۱۵) دو واژه‌ای که در این آیه برای «ضنک» رابطه هم‌نشینی دارد این سه مورد شناسایی می‌گردد.

- ۱- وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنِ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَ نُحْشِرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى
 ۲- واژه محوری ۳- هم‌نشینی ۴- رابطه
 ۵- ضنک ۶- معیشت ۷- مکملی
 ۸- نحشره ۹- اشتدادی

رابطه جانیشینی (Paradigmatic) به رابطه‌ای اشاره دارد که از نوع انتخاب و جایگزینی میان الفاظ یک زنجیره کلامی با الفاظی است که جایگزین آن‌ها می‌شود. (بی‌برویش، ۱۳۷۴، ص ۳۰) این رابطه برخلاف هم‌نشینی به روابط بینامتنی اشراف دارد به عبارتی چگونگی جایگزینی عناصر به جای هم و علت انتخاب واژه مورد نظر در متن به جای واژگان احتمالی را واکاوی می‌کند. (چندلر، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷، صفوی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۶) در مورد واژه مورد نظر در پژوهش، این ارتباط جانیشینی با توضیحاتی که در ادامه می‌آید مشهود است. «ضنک» بر محور جانیشینی با واژگان «ضیق» و «حبط» دارای هم‌معنایی نسبی است.



۲-۱. «ضنک» و رابطه جانیشینی

دو واژه از جانشین‌های «ضنک» عبارتند:

۲-۱-۱. ضیق

این واژه با مشتقاتش ۱۳ بار در قرآن کریم آمده است: ضیق (انعام/۱۲۵)، ضاقت (توبه/۲۵؛ ۱۱۸ و ۱۱۸)، ضائق (هود/۱۲)، ضاق (هود/۷۷؛ عنکبوت/۳۳)، یضیق (حجر/۹۷؛ شعرا/۱۳)، ضیق (نحل/۱۲۷؛ نمل/۷۰)، ضیقا (فرقان/۱۳)، لتضیقوا (طلاق/۶)

راغب معنای «ضیق و ضاق» را ضدّ سعه و به معنای تنگی و سختی می‌داند. «الضیقه» در فقر، بخل، غم و امثال این کاربرد دارد: «وَ ضَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا» (هود/۷۷)، یعنی "از آن‌ها عاجز شد: «وَ ضَاقَ بِهِ صَدْرُكَ» (هود/۱۲) یعنی "سینه‌ات به واسطه آن تنگ شد؛" «وَ يَضِيقُ صَدْرِي» (الشعراء/۱۳) یعنی "دل‌م تنگ می‌شود؛" «ضَيْقًا خَرَجًا» (الأنعام/۱۲۵) یعنی "به سختی گرفته می‌شود." «ضیق» به معنای "حزن و اندوه" هم آمده است: «وَ ضَاقَتْ عَلَیْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ» (التوبة/۲۵)، «وَ ضَاقَتْ عَلَیْهِمْ أَنْفُسُهُمْ» (التوبة/۱۱۸)، «وَ لَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا مَكْرُوهٍ» (النحل/۱۲۷) و در آیه: «وَ لَا تَضَارُّوهُنَّ لِتَضِيقُوا عَلَیْهِنَّ» (الطلاق/۶)، اشاره به عدم سختگیری در هزینه و نفقه همسران یا دلتنگ نمودن آن‌ها است. این واژه به معنای «فقر شد» و «بینوا است» هم استفاده شده است که در این صورت فقر در تضاد با واژه وسع است. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۵۱۴)

«ضیق» واژه‌ای واحد است و به برخلاف «سعه» دلالت دارد و منظور از «ضیق» و «ضیقه»، فقر است و وقتی می‌گوییم: «اضاق الرجل» یعنی آن فرد، مالش را از دست داد و «ضَاقَ»، به معنای خسیس است و «شَيْءٌ ضَیْقٌ» یعنی «ضیق»؛ ریشه تمام این کلمات یکسان است. (ابن فارس، ج ۳، ص ۳۸۳)

همچنین به معنای «تنگی» و «ضد سعه» آمده است. «وَ ضَاقَتْ عَلَیْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ» (توبه/۲۵) یعنی زمین با آن وسعت

بر شما تنگ گردید. و «وَضَاقَ بِمِ دَرَعَا» (هود/۷۷) یعنی مشکلی که راه گریز ندارد یعنی در کارشان فرو ماندند و شاید بتوان گفت شرایط بغرنج شد. در «وَلَقَدْ نَعَلَمَ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرَكَ بِمَا يُوَلُّونَ» (حجر/۹۷) «ضيق» را تنگی معنا کرده است و «ضيقاً» در «يَجْعَلُ صَدْرَهُ ضَيْقًا حَرَجًا» (انعام/۱۲۵) یعنی سینه او را بسیار تنگ می‌کند که «حرج» در این جا تأکیدی برای معنای «ضيق» است. «ضائق» نیز در آیه «فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضُ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ وَ ضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ» (هود/۱۲) به معنای تنگ شدن است. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۰۴)

معنای محوری و هسته‌ای ضيق، همان «سختی شدید همراه با زحمت» است که همیشه هم به معنای سختی و تنگی فیزیکی نیست بلکه احساس سختی و تنگی است که در تمام مشتقات آن وجود دارد. بنابراین ممکن است واژه «ضيق» رابطه جانشینی با واژه «ضنک» داشته باشد.

۲-۱-۲. حبط

اصل معنای آن را درباره سببی بیان شده که آنقدر علف می‌خورد تا هلاک بشود. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۱۵) یعنی این نعمت که برای او باشد، در اثر زیاده‌روی موجب هلاکت او می‌شود؛ مفهومی مشابه آنچه برای «ضنک» و «ضيق» بیان شد. با کمک آیات دیگر می‌توان چنین بیان کرد که منظور از «حبط دنیا و آخرت» آن است که اعمال چنین اشخاصی که برای سعادت و رفاه خود انجام می‌دهند نه در دنیا، اثری از حیث سعادت خواهد داشت و نه در آخرت از آن سودی می‌برند و در این خصوص شاهد مثالی که برای معنای «حبط» آورده‌اند (قرشی بنایی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۹۸؛ عظیمه، ۱۳۸۰، ص ۲۰۴) همین آیه ۱۲۴ طه است: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى» در نتیجه می‌توان این واژه را هم به نوعی جانشین واژه «ضنک» تلقی کرد.

۲-۲. «ضنک» و رابطه همنشینی

هم‌نشینی همان ارتباط معنایی بین واژه‌های مرتبط در یک آیه است که به عنوان واژگان مرتبط و هم‌معنا در بافت آیه و جمله می‌تواند به دریافت معنا و کارکرد واژه، کمک کند که در جای خود با جزئیات کافی توضیح داده شد. با دقت در آیه «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى» (طه/۱۲۴) می‌توان سه هم‌نشین «معیشه»، «حشر» و «اعمی» را در نظر گرفت که بررسی آن در ادامه آمده است:

۲-۲-۱. معیشه

ماده «عیش» ۸ بار در قرآن به کار رفت. «معیشت» از ریشه «عیش» و به معنای وسیله‌ای است که انسان به واسطه آن از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها استفاده می‌کند. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۸۹) راغب «معیشه» را زندگی مختص جاندار که اخص از حیات می‌شود معنا می‌کند زیرا حیات برای خداوند، فرشته و موجودات جاندار استفاده می‌شود. «معیشت» بر آن مفهومی اطلاق می‌شود که با آن زندگی می‌شود. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۵۹۶)

۲-۲-۲. حَشَرَ

ماده حَشَرَ ۴۳ بار، در ۲۸ سوره به کار رفته که از این میان، ۸ مورد به صورت فعل «نَحْشُرُ» آمده است. در لغتنامه‌ها اولین معنا در خصوص این واژه، برانگیختن در روز قیامت است. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۹۲؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۱۰۵؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۲۴) همچنین به معنای جمع شدن مردم در روز قیامت است که کلمه «محشر» برگرفته از آن و به معنای محلی است که همه به سوی پروردگار جمع می‌شوند. (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۱۰۵؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۹۰) حشر به طور کلی به معنای برانگیختن و خارج کردن گروهی از جایگاهشان به سمت انجام کار و مسؤلیتی است و این واژه برای جماعت و گروه استعمال می‌شود. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۳۷) «حشر» با سه قید برانگیختن، سوق دادن و سپس در یک محل جمع کردن همراه است. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۲۴)

۲-۲-۳. اعمی

ماده «عمی» ۳۳ بار، در ۲۲ سوره آمده است که ۱۴ مورد آن به صورت «اعمی» بوده است. به معنای رفتن بینایی و به کسی که بینایی چشمش از دست رفته باشد «اعمی» می‌گویند: «رَجُلٌ عَمِي» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۶۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۳۳؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۵، ص ۹۵) برای این ماده، معنای «غبار» و «ستر» هم ثبت شده است. (صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۸۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۳۳) از نظر راغب «العمی» به معنای از دست دادن چشم ظاهری و همینطور بصیرت به کار می‌رود؛ برای واژه نابینایی ظاهری «اعمی» و «اعمی» و «عم» به کار می‌رود. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۵۸۸) برخی همچون فیومی معتقدند این واژه، فقط برای دو چشم استفاده می‌شود و به صورت کنایی معنای گمراهی قلب است. (۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۳۱) در نتیجه «اعمی» صفتی است که هم به کوری دل (باطنی) «فِيهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (حج/۴۶) و هم کوری چشم (ظاهری) «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرُ» (رعد/۱۶) دلالت دارد. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۲۲۹)

۱. «ضنک» در نگاه مفسران

همان‌طور که اشاره شد «ضنکا» در آیه ۱۲۴ طه صفت برای «معیشه» و منصوب است که علامت نصب آن فتحه است. (کرباسی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۱۵۱)

منظر مفسران در باره «ضنک» را می‌توان در دو گروه جای داد: مفسرانی که این تنگی و سختی را در آخرت و قیامت می‌دانند (ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۶۲؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۰، ص ۲۵؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۴۴؛ طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۲۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۵۸۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۱، ص ۲۵۸) اما دسته دیگر این سختی در معیشت را در همین دنیا تفسیر کرده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص ۸۳؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۱۱۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۹۵) معنای اول با توجه به سیاق آیه و ترکیبات و واژگان موجود در آن، مورد تأیید نیست و مسلماً این سختی، «سختی آخرت» نمی‌تواند باشد. اما آنچه برای بررسی ترجمه‌های این واژه ضروری می‌نماید بررسی انواع معانی از این مفهوم است که مفسران آن را «سختی دنیایی» تفسیر کرده‌اند:

۳-۱. مال حرام

اولین معنا در این خصوص «مال حرام» است. مفسرانی همچون طبرسی، رازی و سیوطی این سختی زندگی را حاصل از «مال حرام» دانسته‌اند حتی اگر اموال فراوانی باشد و برای صاحبش توسعه هم پیدا کرده باشد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص ۷۳؛ رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۱۹۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۱۱) یعنی عذایی که در آینده در اثر این مال حرام به صاحبان آن وارد خواهد شد.

۳-۲. عدم خیر و برکت در روزی

عدم خیر و برکت در روزی یعنی این تنگی و سختی نه اینکه امری مشهود باشد بلکه به صورت معنوی از انسان سلب می‌شود. به سبب رویگردانی از خداوند، هرچه تلاش می‌شود، برکت در این اموال و در گذران زندگی حاصل نمی‌شود. اگر گاهی درهایی به روی انسان بسته می‌شود و دست به هرکاری می‌زند با در بسته رو به رو می‌شود همین را «ضیق» یا «تنگی معیشت» می‌گویند که تفسیر «معیشت ضنک» است. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۲۲۷) این معنا را در تفسیر رازی هم داریم. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۱۱۱) سخن ابن‌عباس نیز همین است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۵۸۵) با توجه به معنایی که در خیر و برکت است باید به این نکته توجه داشت که این تنگی در معیشت اگر ظاهراً مشخص نباشد بدان معنی نیست که اعراض از خداوند موجب تنگی نشده است و چه بسا برخی از این اعراض کنندگان را ببینیم که در رفاه هم باشند. نکته اینجا است که این رفاه و توسعه ظاهری زندگی در چه مسیری در حال پیشرفت است. اگر در مسیر معصیت و سلب توفیقات باشد مسلماً آن خیر و برکت را ندارد و به تبع آن سختی و تنگی معنوی پیش خواهد آمد. در نتیجه دیگر بار نتیجه گرفته می‌شود که منظور از تنگی ایجاد شده در زندگی نه آن سختی و مشقتی است که ظاهراً با چشم دنیایی دیده می‌شود.

۳-۳. عدم باور به پاداش و کیفر الهی

چه بسیار افرادی را شاهد هستیم که به علت عدم باور به روز معاد و پاداش و کیفر الهی، انجام تکالیف و واجبات الهی را سنگین تلقی می‌کنند و به دنبال راه تخفیف و یا بیرون شدن از آن هستند و همین امر برای آنان سخت و گران می‌آید. در نتیجه این ضنک را سختی حاصل از انجام تکالیف در برابر پروردگار تفسیر کرده‌اند. معنی آیه طبق نظر فخررازی چنین نیست که هر کسی از ذکر خدا و راه حق برگشته باشد معیشت و روزی‌اش سخت بشود؛ بسیاری از کافران را می‌بینیم که معیشتی فراخ‌تر از مؤمنان دارند. در نتیجه مفهوم آیه این است که آنان به قیامت و وجود خداوند ایمان ندارند هر خرجی که از اموال و دارایی‌شان صورت بگیرد برای خود ضرر می‌پندارند چرا که در آن ثواب و معادلی قائل نیستند. گمان آنان به خداوند بد است در نتیجه انفاق و مواردی که به خرج اموال و دارایی‌شان بینجامد برایشان دشوار و سخت می‌آید و همین معنای «معیشت ضنک» است. (رازی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ص ۱۹۵)

۳-۴. اعراض از ولایت امام علی (ع)

مرحوم کلینی روایتی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که از ایشان درباره معنای «معیشت ضنک» پرسش شده است و ایشان «سختی زندگی» را فراموشی الگویی همچون علی بن ابی‌طالب (ع) در زندگی می‌دانند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۳۵)

۳-۵. حرص و حسرت

معنای «حرص و حسرت» شامل معانی پیشین هم می‌شود چرا که «حرص و حسرت» درباره مال اندوزی و رفاه بسیار، در نهایت موجب گرفتاری‌های بیشتر و همان تنگی زندگی می‌شود. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۹۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۵۵؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۱۱۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۲۵۵)

زمخشری در کشاف برای «تنگی زندگی» معنای محروم ماندن از «حیات طیبه» را ذکر می‌کند. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۹۵)

۴. معنای «ضنک» در ترجمه‌ها

پیش از ورود به بخش بررسی معادل‌های ترجمه‌ای از واژه «ضنک»، ضروری است اشاره‌ای به انواع ترجمه داشته باشیم. با توجه به این که در حوزه علم ترجمه، تمایز بین انواع و روش‌های آن وجود دارد بهتر است تمایز بین این دو لحاظ شود. از انواع ترجمه، می‌توان به ترجمه شفاهی، ترجمه ادبی، ترجمه ماشینی و... اشاره کرد؛ اما وقتی از روش ترجمه می‌گوییم منظور ترجمه تحت‌اللفظی، آزاد و یا معنایی است. (قلی‌زاده، ۱۳۸۳، ۱۳۵-۱۳۴)

با توجه به مطالبی که درباره معناشناسی واژه «ضنک» بیان شد و بررسی‌هایی که انجام گرفت گونه‌های معنایی این واژه ذیل دو روش «تحت‌اللفظی» و «تفسیری» قرار گرفت.

در رویکرد «تحت‌اللفظی» مترجم سعی می‌کند در مقابل هر واژه از زبان مبدأ، لفظی از زبان مقصد قرار دهد که گاه ممکن است اولین معنی واژه و گاه ممکن است یکی از انواع معانی آن کلمه در زبان مقصد بوده باشد. (جلالی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۴-۱۲۳) یعنی مترجم سعی می‌کند در مقابل هر واژه، کلمه‌ای از زبان مقصد قرار دهد؛ لذا پذیرش یا عدم پذیرش این ترجمه در خصوص واژه تک کاربرد نیاز به تحلیل و بررسی دارد.

روش «تفسیری» در ترجمه، روشی است که هدف مترجم در آن انتقال پیام گوینده در قالب ساختارهای زبان مقصد است. (نجارپوریان، ۱۳۸۸، ص ۱۵) یعنی برای آیاتی به کار گرفته می‌شود که دارای اختصار بوده و واژگان آن یا کم کاربرد باشد یا تک کاربرد که در این صورت، مترجم چاره‌ای جز ترجمه تفسیری و بیان مصداق برای معادل‌یابی ندارد. شاید در این آیات و ترجمه آن‌ها بیشتر به اعجاز بیانی و ویژگی‌های خاص زبان عربی پی برده می‌شود که با کمترین الفاظ می‌تواند معانی بسیار منتقل کند و این ویژگی در انتقال به دیگر زبان‌ها دیده نمی‌شود.

۴-۱. معادل‌یابی برای واژه «ضنک»

از تعداد پنج معنای ذکر شده برای «ضنک» که حاصل تفحص در کتاب‌های لغت و منابع تفسیری است، مترجمان ذیل، یکی از معادل‌ها را برگزیده‌اند. همان‌طور که اشاره شد و سبک ترجمه‌ای مترجمان یکسان است اما آنچه به عنوان معادل از سوی مترجمان انتخاب شده است متفاوت بوده است. از همین منظر مهم می‌نماید این تفاوت معنایی مورد تفحص قرار گیرد:

برای نمونه به چهار ترجمه فارسی اشاره می‌شود:

مکارم شیرازی: «و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت.

ترجمه قرآن باید ناظر به تفسیر و معنای واژگان در بستر قرآنی باشد. در ترجمه با وجود محدودیت انتقال مفهوم باید تلاش شود با آنچه که در تفسیر و معاشناسی واژه مطرح است هم‌سو باشد. در این ترجمه چنین امری حاصل نشده است.

نوبری: «اما هر که از کتاب و قرآن اعراض کند و ایمان نیاورد برای او در زندگانی گذران تنگ می‌شود اگر چه به ظاهر هم در زندگانش وسعت داشته باشد اما در حقیقت برای او هیچ وقت راحتی و آسایش مهیا نمی‌گردد.»

ترجمه با اینکه به صورت تفسیری ارائه شده است اما مشخص نمی‌شود منظور از گذران تنگ چه نوع گذرانی است و همچنین در اصطلاحات و کاربردهای فارسی چنین تعبیری که گذران تنگ است و با آنچه در مسیر معاشناسی و بعد تفحص‌های تفسیری صورت گرفت تطبیق ندارد.

مشکینی: «و هر که از یاد من روی گرداند حتماً برای او زندگی تنگی خواهد بود (هر چند دارای مال و منال وافر باشد، به لحاظ انقطاع از غیب و عدم قناعت نفس و طلب زیادی و تزلزل موارد اتکاء و خوف از حوادث) و...»

یاسری: «و هر که رو بگرداند از یاد من، البته برای او زندگانی سخت خواهد بود. (که آنی بی‌غم نباشد و نفسی راحت نکشد و خوابی آسوده نکند، چه دارا باشد یا نادار) و...»

با توجه به ترجمه‌های فوق مشخص شد که ترجمه مکارم روش تحت‌اللفظی را برگزیده است -اغلب مترجمان در زبان فارسی به همین شیوه تحت‌اللفظی عمل کرده‌اند- و سه مترجم دیگر، روش تفسیری را با توجه به توضیحاتی که قبلاً بیان شد انتخاب کرده‌اند. با وجود به اینکه مترجمان، روش ترجمه تفسیری و ذکر مصداق را انتخاب کرده‌اند اما هیچیک از مترجمان به مصادیقی که در تفاسیر از «معیشت ضنک» اشاره شد و دستاورد تفسیری از «معیشت ضنک» بود اشاره نکرده‌اند.

از جمله اشکال‌های ترجمه تحت‌اللفظی این است که مترجم فقط دغدغه حفظ امانت و معنای متن مبدأ را دارد در نتیجه بلکه مخاطب، متوجه معنای اصلی نشود. آنچه که از واژه «تنگی» در زبان فارسی برداشت می‌شود مطمئناً قابلیت‌های معنایی «ضنک» را در زبان عربی ندارد و حتی این تنگی و سختی زندگی که حالتی معنوی نه فیزیکی و ظاهری دارد را به ذهن مخاطبی که فقط با ترجمه سروکار دارد، متبادر نمی‌کند. این نکته باید قابل توجه مترجمان قرآن باشد که اغلب مخاطب ترجمه‌های قرآن، افراد عادی جامعه هستند و کمتر پیش می‌آید که به اصل قرآن یا تفاسیر و کتاب‌های لغت مراجعه کنند. در نتیجه ترجمه تحت‌اللفظی برای این نوع واژگان مناسب نمی‌نماید.

درباره ترجمه تفسیری نیز می‌توان این اشکال را مطرح کرد که در عین حال که دست مترجم باز است تا بتواند از معانی چندلایه قرآن گره بگشاید و کمی مخاطب را بیشتر با معنای اصل واژه عربی آشنا کند و در معرض آن قرار دهد اما از آن طرف این گشاده دستی مترجم، ظرافت متن مبدأ را از بین می‌برد، مسلماً انتظار نمی‌رود در برابر یک لفظ کوتاه و مختصر و در عین حال پرمفهوم ترجمه‌ای طولانی ارائه گردد. آیه قرآن بدون آنکه مصداقی بیاورد از همان ساختار و قالب متن مبدأ استفاده کرده و نوع سختی مد نظر را منتقل کرده است کما اینکه از واژه ضیق یا حبط در این جا استفاده نکرده است در نتیجه این تفاوت معنایی در بافت زبان عربی و با توجه به کاربرد آن در اشعار و کتاب‌های لغت عربی قابل دریافت است؛ قابلیت‌هایی که در زبان فارسی یا انگلیسی قابل انتقال نیست.

ترجمه پیشنهادی

باتوجه به آنچه در منابع لغوی و تفسیری بیان شد معلوم گشت که این تنگی و مشقت در زندگی که در اثر اعراض از پروردگار صورت می‌گیرد بدون شک، تنگی و سختی ظاهری مانند فقر و تنگدستی نیست؛ چه بسا فردی توسعه مال و فراوانی امکانات رفاهی هم داشته باشد اما به علت داشتن مال حرام و حرص و طمع و عدم باور به قیامت و ولایت و مفاهیم دینی و الهی، دارای گرفتاری‌های معنوی و عدم داشتن روزی بابرکت باشد. آرامش درونی و معنوی لازم را نداشته باشد و به واسطه سرگرمی در دنیا، همواره در اضطراب و رنج و نگرانی برای فردای دنیایی خویش باشد. به نظر می‌رسد معادل "زندگی ناآرام" معادلی مناسب‌تر از زندگی سخت باشد.

ترجمه‌های انگلیسی

Irving: while anyone who fails to remember Me will have a meager living and ..

Saffarzādeh: " And whoever turns away from My Message, for him life will be Straitened; ..

Qarā'ī: But whoever disregards My remembrance, his shall be a wretched life,..

Pickthall: But he who turned away from remembrance of Me, his will be a narrow life. ..

همه ترجمه‌های انگلیسی در این آیه، روش تحت‌اللفظی را انتخاب کرده‌اند. واژگان انتخابی (meager, straiten, wretch, narrow) است. هر ۴ معادل به صورت انتخاب واژه در برابر واژه است و تمام اشکالاتی که درباره ایراد ترجمه تحت‌اللفظی بیان شد در این مورد نیز مطرح است. اما بررسی انتخاب همین ۴ واژه هم ضروری می‌نماید چرا که در ترجمه تحت‌اللفظی هم انتخاب واژه‌ای که بهتر بتواند معنا را انتقال دهد بسیار اهمیت دارد.

واژه meager که اصل آن فرانسوی است به معنای مقدار کم از غذا و اموال است. یعنی کاربرد این واژه برای زمانی است که کسی از لحاظ غذا و یا اموال محتاج باشد.

واژه straiten به معنای تنگ و محصور کردن یک ناحیه به طوری است که هیچ فضایی موجود نباشد و به نوعی تنگی محل از لحاظ فیزیکی را دربر دارد.

درباره واژه wretch می‌توان گفت حالتی از بدبختی و بیچارگی است که بقیه نسبت به حال او ترحم بورزند و یا طرد شده باشد. شاید این واژه از این نظر که در معادل‌های انگلیسی‌اش به شخص اشاره کرده است معادل بهتری نسبت به دیگر موارد باشد ضمن اینکه فقط حالت فیزیکی و ظاهری مشقت را ندارد.

در نهایت واژه narrow که تقریباً دورترین و غیرممکن‌ترین معادل برای این واژه است به معنای باریک و کوتاه و کم‌عرض و دقیقاً قابل استفاده برای مسافت و اشیاء است و به هیچ‌عنوان برای توصیف حالت شخص یا حتی حالت زندگی شخص و داشتن مشقت و سختی برداشت نمی‌شود. با توجه به این توضیحات، واژه wretch به عنوان معادل برای "ضنک" از لحاظ معنایی نسبت به دیگر موارد، تناسب بهتری با محتوای آیه دارد.

۵. نتیجه‌گیری

۱. واژه «ضنک» در آیه ۱۲۴ طه از واژگان تک‌کاربرد قرآن کریم است که همین مسأله ترجمه آن را با دشواری همراه کرده است؛

۲. مترجمان زبان فارسی، اغلب از روش تحت‌اللفظی و برخی از روش تفسیری استفاده کرده‌اند که بر هر مورد نقدهایی وارد است؛

۳. با توجه به نقدهای وارد بر روش‌های معادل‌یابی در ترجمه‌ها، انتخاب معادل «زندگی ناآرام» که به گونه‌ای ترجمه‌ای محتوایی و برگرفته از معانی متعدد از تفاسیر و کتب لغت است مناسب‌تر می‌نماید. ترجمه پیشنهادی اگرچه ترجمه‌ای تحت‌اللفظی است ولی این مزیت را دارد که بار معنایی برگرفته از تفاسیر و کتاب‌های لغت را با خود دارد؛

۴. ترجمه‌های انگلیسی از روش تحت‌اللفظی بهره برده‌اند اما در همان اقدام نیز در انتخاب واژه و معادل مورد نظر موفق نبوده‌اند. بدون شک این مسأله ناشی از عدم ترجمه و عدم انتقال صحیح متون عربی و منابع تفسیری برای افرادی است که با زبان عربی آشنایی ندارند و زبان اصلی آنان برای مواجهه با متن قرآن و متون اسلامی، زبان انگلیسی است.

۵. ترویج و آموزش زبان عربی به عنوان زبان وحیانی قرآن کریم و زبان اسلام بهترین راهکار برای فهم و درک واژگانی و مفهومی قرآن کریم می‌تواند باشد.

منابع

*قرآن کریم

ابن عباس، عبدالله بن عباس (۱۴۱۳ق)، *غريب القرآن في شعر العرب*، تحقيق: احمد نصرالله، محمد عبدالرحيم، بيروت: مؤسسة الكتب الثقافية.

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم (بی تا)، *لسان العرب*، بيروت: دارالفکر.

۲. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، *تهذيب اللغة*، بيروت: دار احيا التراث العربي.

۳. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۸ش)، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۴. بی‌برویش، مانفرد، (۱۳۷۴ش)، *زبان‌شناسی جدید*، مترجم: محمدرضا باطنی، تهران: آگاه.

۵. پالم، رفرانک (۱۳۶۶ش)، *نگاهی تازه به معناشناسی*، مترجم: کوروش صفوی، تهران: نشر مرکز.

۶. جلالی، سیدلطف‌الله (۱۳۸۹ش)، *ترجمه معنایی از نظر میلدرد لارسون*، عیار پژوهش در علوم انسانی، شماره ۳، ص ۱۳۶-۱۱۹.

۷. چندلر، دانیل (۱۳۸۷ش)، *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه مهدی پارسا خانقاه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.

۸. رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *تفسیر کبیر*، بيروت: دار احیاء التراث العربی.

۹. سلمان نژاد، مرتضی (۱۳۹۱ش)، *معناشناسی تدبر در قرآن با سه رویکرد ساختاری*، ریشه‌شناسی و تاریخ انگاره (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

۱۰. سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).

۱۱. صفوی، کوروش (۱۳۷۸ش)، *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران: سوره مهر.

۱۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.

۱۳. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، تهران: مرتضوی.

۱۴. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بيروت: دارالمعرفه.

۱۵. عضیمه، صالح (۱۳۸۰ش)، *معناشناسی واژگان قرآن*، مترجم: حسین سیدی، مشهد: به‌نشر.

۱۶. علوان، عبدالله بن ناصح (۱۴۲۷ق)، *اعراب القرآن الکریم (علوان)*، طنطا: دارالصحابه للتراث.

۱۷. فتاحی‌زاده، فتحیه و فریده امینی (۱۳۹۳ش)، *معناشناسی امام حق در آیات قرآن*، مطالعات تفسیری، شماره ۲۰، ص ۷۲-۵۱.

۱۸. قرشی بنابی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱ش)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.

۱۹. قلی‌زاده، حیدر (۱۳۸۳ش)، *روش‌های ترجمه و توصیف زبان‌شناختی آن‌ها*، بینات، شماره ۴۳، ص ۱۴۴-۱۳۴.

۲۰. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش)، *التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲۱. مشکور، مجید جواد (۱۳۵۷ش)، *فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و فارسی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

۲۲. مشکینی، علی (۱۳۸۱ش)، ترجمه قرآن، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲۳. موسوی مقدم، سید محمد و دیگران (۱۳۹۵ش)، ارزیابی دیدگاه مفسران درباره معنانشناسی «معیشت ضنک» در آیه ۱۲۴ طه، مطالعات تفسیری، سال هفتم، شماره ۲۷.
۲۴. نجاریوریان، علی (۱۳۸۸ش)، کدام نوع ترجمه را انتخاب کنیم؟ رشد آموزش قرآن، شماره ۲۶، ص ۱۶-۱۱.
۲۵. نصرتی، حمید، دهقانی، فرزاد (۱۳۹۹ش)، واکاوی مفهوم «حشر اعمی» در آیه ۱۲۴ سوره طه، تفسیر پژوهی، سال هفتم، شماره ۱۳.
۲۶. نوبری، عبدالمجید (۱۳۹۶ش)، ترجمه قرآن، تهران: اقبال.
۲۷. نورسیده، علی اکبر، فیض الله زاده، عبدعلی، ماستری فراهانی، جواد (۱۳۹۱ش). معنانشناسی واژه «ولی» در قرآن کریم، پژوهشنامه نقد عربی ۷ (۶۵/۶).

28. Lee, D. (2001). *Cognitive linguistics*. New York: Oxford University Press.